

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست  
بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

اولی بپیش می گنجد رهای زاهدان  
چنگ زبندن اول کمال فرزند چنگ  
غزایا و زدها و زدها و زدها  
چنگ زبندن اول کمال فرزند چنگ  
غزایا و زدها و زدها و زدها  
چنگ زبندن اول کمال فرزند چنگ  
غزایا و زدها و زدها و زدها

**نظم**

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست  
بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

استندم کردی که تمام جانم به نیت  
نیمه اولی نامم به چو بپوش  
نیمه اولی نامم به چو بپوش  
نیمه اولی نامم به چو بپوش

**نظم**

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست  
بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست  
بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست

بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست  
بوفعلی از دست  
مغرب از آن که  
قاصد سعید از دست